

پناهندگی در حقوق بین الملل و اسلام با تأکید بر پناهندگی در حرم مکی

جعفر زنگنه شهرکی^۱ و مجتبی افشار^۲

چکیده

سابقه طولانی پناهندگی در تاریخ روابط ملت‌ها حاکی از نظام عرفی مقبول جوامع بشری در این خصوص است؛ موضوعی که در حقوق بین‌الملل معاصر با تصویب کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان در سال ۱۹۵۱ مورد اهتمام واقع شده است. پیش از اسناد حقوق بین‌الملل، پناهندگی در ادیان الهی به خصوص در دین اسلام مورد توجه بوده و دارای احکام ویژه‌ای است. از جمله این احکام، تشریح قرارداد امان است که نوعی تعهد به حمایت از بیگانگان در روابط بین‌المللی اسلام است. نوع دیگر پناهندگی در اسلام، پناهنده شدن به مکان‌های مقدس است و در این خصوص پناهندگی به حرم مکی دارای قواعد خاص است. بررسی ابعاد مختلف پناهندگی در حرم مکی به روش تحلیلی - توصیفی به منظور ایجاد زمینه تدوین قواعد مشترک پناهندگی در حرم مکی از منظر فقه مذاهب اسلامی هدف اصلی این پژوهش است. بر اساس تصریح منابع حقوق اسلام کسی که وارد این حریم مقدس شود، از تعرض مصون بوده و از امنیت برخوردار است؛ امنیتی که علاوه بر تشریح، در مقام تکوین نیز قرآنی بر آن دلالت دارد و علی‌رغم وجود برخی اختلاف نظرها، شامل غیر مسلمانان به ویژه اهل کتاب نیز می‌شود. البته امنیت پناهنده به حرم مکی تا زمانی باقی است که پناهنده، حرمت حرم را نگه دارد. بر این اساس اگر کسی در داخل منطقه حرم مرتکب جرم و جنایت گردد و حرمت حرم را هتک کند، مصونیت وی نیز سلب می‌گردد.

کلید واژه‌ها: پناهندگی، امان، امنیت، حرم امن الهی، مکه، مسجدالحرام

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی (zanganehjafar@gmail.com)

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول) (m_afshar65@yahoo.com)

از مسائل دارای اهمیت در حقوق بین‌الملل، موضوع پناهندگی است. پناهندگی معلول عوامل مختلفی همچون فقر، بلایای طبیعی و جنگ‌های داخلی و بین‌المللی است. افزایش بی‌حد و حصر پناهندگی پس از جنگ جهانی اول و دوم، پناهندگی را به یک موضوع مهم در عرصه بین‌المللی تبدیل کرد؛ چراکه جدای از جنگ، خود پناهندگی نیز عامل تهدید نظم و امنیت بین‌المللی تلقی گردید و تدوین قواعد و مقررات پناهندگی در قالب معاهدات بین‌المللی، ضرورتی انکارناپذیر یافت؛ از این رو بعد از تشکیل سازمان ملل متحد، اولین کنوانسیون مربوط به حقوق پناهندگان در سال ۱۹۵۱ در ژنو به تصویب رسید و این مقررات با پروتکل ۱۹۷۶ تکمیل‌تر گردید. اگرچه رشد و تکامل قوانین مربوط به پناهندگی در دهه‌های اخیر بوده است، اما پدیده پناهندگی و تلاش برای یافتن مأمن، ریشه در آداب و رسوم دینی و حتی قبیله‌ای گذشته دارد. در این میان سهم ادیان ابراهیمی در ایجاد قواعد پناهندگی بسیار قابل توجه است و مقررات مختلفی در زمینه پناهندگی، از جمله پناهندگی به اماکن مشخص و مقدس، پیش‌بینی شده است. همچنین در اسلام، پناهندگی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و در قرآن و سنت دارای مقررات خاصی است. یکی از مهم‌ترین مصادیق پناهندگی در اسلام، پناهنده شدن به حرم مکی است. ابعاد و شرایط مختلف پناهندگی و امنیت در حرم مکی - همچون مبنای حکم خاص پناهندگی در حرم مکی، امکان پناهندگی غیر مسلمان، تکالیف دیگران در ارتباط با مجرم پناهنده - و مقایسه این نوع پناهندگی با پناهندگی مطرح در حقوق بین‌الملل از مسائل مهمی است که نیازمند پژوهش است و تاکنون در این موضوع و ابعاد مختلف آن پژوهشی یافت نگردید. در این نوشتار با مروری بر جایگاه پناهندگی در حقوق بین‌الملل، قواعد و احکام پناهندگی در اسلام و به ویژه حرم مکه به روش تحلیلی - توصیفی بررسی گردیده است.

پناهندگی در حقوق بین‌الملل

پناهندگی در تاریخ روابط ملت‌ها دارای سابقه‌ای طولانی بوده و قواعد آن در حقوق بین‌الملل معاصر مدون شده است. «اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸»، «میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶»، «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶»، «کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان ۱۹۵۱»، «پروتکل ۱۹۷۶ در خصوص وضع پناهندگان»، «اعلامیه ۱۹۶۷ در مورد پناهندگی سرزمینی» سازمان ملل متحد و «اساسنامه کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان ۱۹۵۰» از جمله اسناد بین‌المللی مهمی هستند که در آن از پناهندگان حمایت شده است.

کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ اولین و مهم‌ترین کنوانسیون اختصاصی در مورد حقوق پناهندگان است که در حال حاضر بیش از ۱۴۵ کشور آن را به تصویب رسانده‌اند.^۱ از نظر این کنوانسیون، «پناهنده کسی است که به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی تحت شکنجه قرار گیرد، در خارج از کشور محل سکونت عادی خود به سر می‌برد و نمی‌تواند و یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد، خود را تحت تابعیت آن کشور قرار دهد، یا در صورتی که فاقد تابعیت است، و پس از چنین حوادثی در خارج از کشور محل سکونت دائمی خود به سر می‌برد، نمی‌تواند یا به علت ترس مذکور نمی‌خواهد به آن کشور بازگردد». (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 1, Par 2) بر اساس ماده ۳۳ این کنوانسیون، هیچ یک از دول متعاقد به هیچ نحوی، پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به علل مربوط به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص با دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید.

1. <https://www.unhcr.org/protect/PROTECTION/3b73b0d63.pdf>

۱۲ ماده (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 33) در اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره نیز آمده است که هر انسانی بر طبق شریعت، حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشور را دارد و در صورت تحت ظلم فرار گرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود و بر آن کشور پناه‌دهنده واجب است که با او مدارا کند تا اینکه پناهگاهی برایش فراهم شود. البته این ماده شرط اعطای پناهندگی این دانسته شده که «علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد». (cairo Declaration on Human Rights) (in Islam, 1990, Art. 12)

پناهندگی در اسلام

پناهندگی در اسلام با عناوینی چون «امان»، «استیمان»، «استیجار» و «مهاجرت» در متون دینی و فقهی قابل مطالعه است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۳۸، ص ۱۶۲) در قرآن کلمه «مستجیر» به معنای «پناهجو» است. (عمید زنجانی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۴) در ادیان و امت‌های قبل و در عصر جاهلیت نیز پناهندگی مطرح بوده است. پیش از اسلام در میان اعراب، پیمان‌هایی مشهور به «احلاف» بود که یکی از اهداف این پیمان‌ها حمایت و اعطای پناهندگی بود. از جمله این پیمان‌ها، که در اسلام نیز به عنوان پیمان مقدسی از آن یاد شده، «حلف الفضول» است که برای حمایت از ستمدیدگان در مکه منعقد شد. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۸-۸۹؛ ابن کثیر، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۲۵۸)

پناهندگی در اسلام گاهی به این صورت است که فرد یا گروهی برای حضور در جامعه اسلامی، درخواست مصونیت می‌کند و به این منظور قراردادهایی همچون امان با حکومت اسلامی منعقد می‌سازد و گاهی نیز به این صورت است که فردی از تهدید خارجی، به دولت اسلامی یا به مکان مقدسی پناه می‌برد.

۱. استیمان و درخواست مصونیت از دولت اسلامی

قرارداد امان، نوعی تعهد حمایتی در روابط خارجی با بیگانگان است. با استناد به این قرارداد، پناهنده طلب امان می‌کند و در حقیقت نگرانی عمده او از خود دارالاسلام است. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۳) هدف از قرارداد امان، رسیدن به زندگی مشترک مسالمت‌آمیز و تأمین امنیت بیگانه در قلمرو اسلام است و مستأمن کسی است که خواهان چنین قراردادی است یا از آن قرارداد استفاده می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۴۷) شیخ طوسی مستأمن و معاهد را کسی می‌داند که به خاطر پناهندگی موقت - و نه اقامت دائمی - به سرزمین اسلامی وارد می‌شود و درخواست مصونیت می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۲)

صحت عقد امان مشروط به عدم مفسده، و به تعبیری وجود مصلحت است (علامه حلی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۹؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۱۰۰)؛ از این رو عقد امان با جاسوس یا هرکس که در امان دادن به وی ضرری متوجه مسلمانان گردد، صحیح نیست. با قرارداد امان، بیگانه از امنیت جانی، مالی و عرضی برخوردار می‌گردد و اتلاف اموال مستأمن توسط مسلمانان موجب ضمان است. (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۳۲) این قرارداد، از عقود لازم است (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۴۷) و تا زمانی که مستأمن خیانتی نکرده، از سوی مسلمانان قابل نقض نیست؛ اما با نقض عهد و خیانت مستأمن - به دلیل آیه شریفه ﴿وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانذِرْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾ (انفال: ۵۸) - امان برداشته می‌شود. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۴۲)

برخی از آیه ﴿وَإِن أَحَدًا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ﴾ (توبه: ۶) تکلیف دولت اسلامی بر پذیرش درخواست پناهندگی را استفاده کرده‌اند. (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸، ص ۴) ولی غالب فقها این آیه را به عنوان دلیلی عام برای مشروعیت پناهندگی و استیمان دانسته‌اند. (ابراهیمی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۴۰)

۲. پناهندگی و درخواست مصونیت از دولت اسلامی نسبت به تهدید خارجی

نوع دیگری از پناهندگی، موردی است که فرد یا گروهی از ترس تهدیدی که متوجه جان، مال یا آبروی آنهاست، به دولت اسلامی پناهنده می‌شوند؛ چنان‌که پس از هجرت پیامبر ﷺ مسلمانان زیادی از ترس کفار قریش به مدینه پناهنده شدند. این نوع پناهندگی - که با پناهندگی معمول در حقوق بین‌الملل، قابلیت تطبیق بیشتری دارد - در زمان صلح حدیبیه، در سال ششم هجرت، نیز مورد توجه قرار گرفت. طبق ماده دوم این پیمان «اگر یکی از افراد قریش بدون اذن بزرگ‌تر خود از مکه فرار کند و اسلام آورد و به مسلمانان بپیوندد، حضرت محمد ﷺ باید او را به سوی قریش بازگرداند». مشرکان با استناد به این ماده، خواهان بازگرداندن زنان پناهنده شدند؛ ولی پیامبر ﷺ فرمودند: «زنان مشمول ماده مذکور نیستند و آن ماده راجع به مردان است». (واقدی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۹) آیه ۱۰ سوره ممتحنه ناظر به این واقعه است و حاکم اسلامی را ملزم به اعطای پناهندگی به زنان پناهنده کرده و به عدم استرداد آنها به مشرکین دستور داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ». مقصود از «الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ»، زنانی بودند که به خاطر اعتقاداتشان و از ترس آزار و اذیت و شکنجه مشرکان مکه به دارالاسلام (مدینه) هجرت کردند و پناهنده شدند. این آیه از جهت حکم به عدم جواز اعاده زنان پناهنده به کفار، با ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگی، که دول متعاقد را از تبعید و اعاده پناهنده منع می‌کند، قابل مقایسه است.

در ماده ۱۵ میثاق مدینه، که به منزله اولین قانون اساسی جامعه مسلمانان است، به مسئله حق اعطای پناهندگی اشاره شده است. (احمدوند، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸) هجرت برخی از مسلمانان به حبشه به دستور پیامبر ﷺ در ابتدای ظهور اسلام و اعطای پناهندگی از سوی نجاشی، بخشی از تاریخ نهاد پناهندگی در اسلام است.

(ابراهیمی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۳۳) همچنین پناه دادن ام هانی به دو تن از مشرکان به نام «حارث بن هاشم» و «عبدالله بن ابی ربیع»، در جریان فتح مکه توسط پیامبر ﷺ (ابن سعد، ۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۱۰؛ ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۳، ص ۸۴) نیز مهر تأیید دیگری بر مسئله پذیرش پناهندگی در سیره رسول اکرم ﷺ است.

اعطای پناهندگی دولت اسلامی به پناهنده - ولو غیر مسلمان - می تواند مصداقی از فریادرسی مظلوم باشد؛ چنان که پیامبر ﷺ فرمودند: «کسی که صدای انسانی را بشنود که فریاد می زند ای مسلمانان به دادم برسید و پاسخ نگوید، مسلمان نیست». (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۴) طبق آیه «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا» (نساء: ۷۵) مسئله حمایت از افراد تحت ظلم تا بدانجاست که اگر آنان توانایی هجرت و پناهندگی به سرزمین مسلمانان را نداشته باشند، بر دیگر مسلمانان واجب است تا برای رهایی آنان دست به قتال بزنند و آنان را از سلطه حاکم ستمکار برهانند. وقتی برای یاری و حمایت از مظلوم، قتال واجب باشد، به طریق اولی اعطای پناهندگی در این خصوص، لازم خواهد بود.

پناهندگی به اماکن مقدس

پناهندگی به اماکن مقدس در میان اقوام و ادیان مختلف، از گذشته تا حال، وجود داشته است: در یونان باستان، معابد به عنوان محل امنی برای پناهندگان عادی و حتی محکومین به مرگ بود. در تورات مقرراتی جهت تأسیس شهرهایی به منظور پناه دادن مجرمان پیشینی شده است. در مسیحیت نیز کلیساها، مفاهیم مشابهی از حمایت از اشخاص ارائه کرده اند (نظری تاج آبادی، ۱۳۶۹، ص ۱۴) و در انجیل از پناهندگان به اورشلیم و دیگر اماکن امن یاد شده است. اعطای پناهندگی در میان اعراب حتی پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشت؛ بدین صورت که حتی در بیابانها، مکانهای مقدس حکم پناهگاه را داشت و امکان تعرض به پناهنده در آن

مکان‌ها وجود نداشت. (بایرامی فرد، ۱۳۹۶، ص ۳۵) در اسلام نیز مکان‌هایی وجود دارد که پناهندگان به آنها، دارای مصونیت و امنیت هستند. از مهم‌ترین این مکان‌ها «حرم مکه» است. پناهندگی به این مکان مقدس، دارای ابعاد مختلفی است که به آن پرداخته می‌شود.

پناهندگی در حرم مکی

۱. اهمیت و شرافت مکه

مکه مکرمه، ام‌القرای جهان اسلام و مرکز ظهور دین مبین است و گذشته از شرافتی که از آغاز خلقت و به خصوص از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام داشت، نخستین آیه‌های قرآن نیز در آنجا نازل شد. در عظمت مکه همین بس که خداوند، خود را پروردگار مکه معرفی کرده است. (نمل: ۹۱) قرآن این شهر را «مکه» (فتح: ۲۴)، «بکّه» (آل عمران: ۹۶) «ام‌القری» (شوری: ۷) «البلد» (بلد: ۱ و ۲) «البلد الامین» (بلد: ۳) نامیده است. مهم‌ترین دلیل شرافت مکه، وجود کعبه است که با عناوین مختلفی در قرآن یاد شده است. «بیت» (بقره: ۱۲۵ و ۱۵۸؛ آل عمران: ۹۶)، «البیت الحرام» (مائده: ۲ و ۹۷)، «بیتک المحرم» (ابراهیم: ۳۷)، «البیت العتیق» (حج: ۲۹ و ۳۳) و «البیت المعمور» (طور: ۴) از آن جمله است. گرداگرد کعبه، مسجد الحرام است که در قرآن نیز با همین نام «المسجد الحرام» (توبه: ۲۸؛ فتح: ۲۷) آمده و قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مسجد در تاریخ اسلام است.

۲. محدوده و مساحت حرم مکی

حرم در لغت به معنای چیزی است که عقلاً، شرعاً یا عرفاً ممنوع باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۰۴) گاهی نیز به معنای اهل و عیال شخص یا محل اقامتی است که آنها را از تعرض دیگران حفظ می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۵؛ عمید، ۱۳۶۹، ص ۵۶۲) حرم در معنای اصطلاحی، به محدوده پیرامون

مکان‌های مقدس اسلامی، به ویژه کعبه گفته می‌شود. از این رو شهر مکه و پیرامون کعبه را «حرم مکی» می‌نامند. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۳۴) حرم نامیده شدن محدوده این اماکن به دلیل محترم بودن آنها یا حرمت انجام دادن برخی کارها در این اماکن است. (کردی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۰۱)

واژه حرم در آیاتی از قرآن ذکر شده که در مواردی همچون آیه شریفه ﴿أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا﴾ (قصص: ۵۷) و ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا﴾ (عنکبوت: ۶۷) مقصود «حرم مکی» است. اطلاق حرم در کلمات فقها نیز به حرم مکه انصراف دارد. (یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۲۰)

بحث درباره محدوده حرم مکی از آن جهت مهم است که پناهندگی مورد بحث، ویژه همین محدوده است؛ از این رو در رابطه با اینکه امنیت، مختص خانه کعبه است یا کل حرم را شامل می‌شود، از امام صادق علیه السلام سؤال شد. حضرت فرمودند: «هر انسانی که داخل حرم شود و پناهنده شود، از خشم خدا در امان خواهد بود». (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۲۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۲۳) این حدیث بیانگر گستره امنیت نسبت به کل محدوده حرم است. برخی مفسرین اهل سنت نیز معتقدند ضمیر «دَخَلَهُ» در آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷) به کل محدوده حرم برمی‌گردد. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۰۲)

طبق برخی روایات، جبرئیل بر حضرت ابراهیم علیه السلام نازل شد و محدوده حرم را به او نشان داد و آن حضرت برای شناسایی در مبادی ورودی حرم نشانه‌هایی (اعلام یا انصاب) نصب کرد و سپس اسماعیل علیه السلام نشانه‌ها را بازسازی کرد. همچنین پس از فتح مکه در سال هشتم، به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه‌های حرم تعمیر و بازسازی گردید و در ادوار بعد نیز کسانی به بازسازی یا ساختن این نشانه‌ها اقدام کرده‌اند. (ازرقی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۳۰؛ فاکهی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۷۳-۲۷۶)

هم‌اکنون برای تعیین حدود حرم، شش نشانه در شش مسیر ورودی (میقات)، و در هر مسیر دو ستون در دو طرف جاده وجود دارد. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۲۸۶)

علی‌رغم وجود برخی اختلافات (حداد عادل، ۱۳۹۳)، علمای امامیه در مساحت حرم مکه متفق‌اند که مقدار آن «برید در برید» است. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۳۴؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۳۵۴؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۲۰؛ ابن ادیس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۵۵) مبنای این نظریه، موثقه زراره از امام باقر علیه السلام است که فرمودند: «خداوند متعال حرمش را از یک برید در یک برید - محترم شمرده است». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۵۵۵) با توجه به اینکه برید، چهار فرسخ (هر فرسخ معادل حدود ۵/۵ کیلومتر) شرعی است، مساحت تقریبی حرم، شانزده فرسخ مربع می‌شود. البته فاصله مکه از همه جهات به یک اندازه نیست؛ بعضی از جهات مکه - مانند تنعیم - نزدیک‌تر است و بعضی دورتر. اگر همه این مساحت‌ها از جهات مختلف حساب شوند و به شکل مربع درآیند، یک برید در یک برید می‌شود. (حکیم، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۸۶؛ آدینه، ۱۳۹۴، ص ۲۸ و ۲۹)

به هر حال مقصود از حرم، حریم مقدسی است که از شش طرف مکه را احاطه کرده و بیرون آن «حلّ» نامیده می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۱) این مساحت - که اندکی از شهر مکه بزرگ‌تر است - به عنوان حرم امن الهی شناخته می‌شود و احکام ویژه‌ای دارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۲)؛ از جمله: اماکن پناهندگی.

در اینکه پناهندگی، اختصاص به حرم مکی دارد یا شامل سایر حرم‌ها و اماکن مقدس هم می‌شود؛ اختلاف است. برخی از فقها، علاوه بر حرم مکی، حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را نیز شامل حکم پناهندگی می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۰۲؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۲۳؛ محقق حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۰۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق،

ج ۲، ص ۵۲۹؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۵۷؛ اما برخی پناهندگی را مختص مکه می‌دانند. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۳۴۵؛ وحید خراسانی، بی تا ج ۳، ص ۵۴۶)

۳. امنیت حرم مکی، مبنای اساسی امکان پناهندگی

امکان پناهندگی در حرم مکی، ناشی از ویژگی امنیت حرم است. در قرآن، مکه و کعبه به عنوان محلی امن و دارای امنیت توصیف شده است. (عنکبوت: ۶۷؛ القصص: ۵۷؛ بقره: ۱۲۵ و ۱۲۶) همچنین در آیه ۹۶ سوره آل عمران از کعبه و بیت الله الحرام، با تعبیر اولین خانه وضع شده برای مردم یاد شده که پر از برکت و مایه هدایت جهانیان است. سپس فرموده: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾ (آل عمران: ۹۷)؛ «در آن نشانه‌های روشن [از جمله] مقام ابراهیم است و هر کس داخل آن شود، در امنیت خواهد بود». البته این آیه در واقع اجابت دعای حضرت ابراهیم عليه السلام است که بعد از ساختن کعبه، امنیت شهر را از خداوند درخواست کرد و عرضه داشت: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾. (ابراهیم: ۳۵) خداوند هم دعای او را اجابت کرد و آنجا را پناهگاهی قرار داد که هر انسانی وارد شود، در امنیت خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵)

برخی مقصود از امنیت مطرح در آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ و دیگر آیات را تکوینی، برخی تشریحی و برخی جامع بین هر دو می‌دانند.

الف) نظریه امنیت تکوینی حرم مکی

مقصود از امنیت تکوینی این است که خداوند این سرزمین را بر اساس لطف خاص خود، مأمن و محل آرامش قرار داده است. سرزمین مکه به لحاظ خوی تجاوزگری و غارتگری مردم حجاز و دوری آنها از فرهنگ و تمدن انسانی، در ظاهر باید فاقد امنیت می‌بود؛ اما با این همه، خداوند می‌فرماید ما مکه را هم محل

امن، و نیز با برکت قرار دادیم: ﴿أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّنْ لَّدُنَّا﴾ (قصص: ۵۷) و هرکس بدان داخل شود در امان است: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷)

امنیت مکه با توصیف فوق از جانب برخی از مفسرین به امنیت تکوینی تعبیر شده و مؤیدات مختلفی از قرآن برای آن ذکر شده است؛ از جمله آیات سوره قریش که می‌فرماید: «باید پیرستند پروردگار این خانه را؛ پروردگاری که آنان را متنعم ساخت و از گرسنگی رهانید و از ترس، ایمن ساخت». (قریش: ۳ و ۴) زدودن بیم از اهل حرم در سوره قریش، که به حمله ابرهه و اصحاب فیل تفسیر شده، از مصادیق مهم امنیت تکوینی حرم مکی دانسته شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۶۹-۷۰) همچنین از آیه ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمِنًا﴾ (بقره: ۱۲۵) برمی‌آید که خداوند با قدرت خود، میل به حج خانه و زیارت پیاپی و احترام آن را در دل مردم مناطق دور و نزدیک می‌اندازد و درحالی‌که مردم در سرزمین‌های پیرامون در ناامنی به سر می‌برند، ساکنان و زائران حرم از نعمت امنیت برخوردارند. (محمد رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۳۷۸)

خدای سبحان درباره امنیت تکوینی حرم (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۰) می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِظُكَ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا﴾ (قصص: ۵۷)؛ «برخی اهل مکه می‌گویند: اگر ما به تو ایمان بیاوریم، کافران ما را از سرزمینمان بیرون کرده، آواره می‌شویم. آیا اینان نمی‌دانند که ما مکه را امن قرار دادیم؟» مفهوم آیه این است که اگر در گذشته، مکه را محلی امن قرار دادیم، الآن از زوال آن نترسید و در حال ایمان، بیش از حال کفر امنیت خواهید داشت. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۴۰۶)

همچنین آیه ﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَّخِطُّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ﴾ (عنکبوت: ۶۷) - که خداوند می‌فرماید با اینکه در اطراف مکه آدم‌ربایی فراوان است، ما سرزمین

مکه را حرم امن قرار دادیم - دلالت بر امنیت دارد؛ با این استدلال که از آنجا که اختطاف و ربوده شدن امری تکوینی است، امنیت مقابل آن نیز امری تکوینی خواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۰)

از آیات مذکور، که مربوط به وضعیت عصر جاهلیت است، استفاده شده که خطر غارت، آدم‌ربایی و رهنزی که در خارج حرم بوده، در محدوده حرم نبوده است. حکم امن تشریحی، پس از اسلام آمده است و قرآن کریم امنیتی را که از دوران جاهلیت تا زمان اسلام ادامه داشت و همچنان تداوم دارد، به عنوان سند ذکر می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۰)

البته معنای امنیت تکوینی حرم این نیست که در آنجا کشتار نمی‌شود؛ بلکه خداوند آن سرزمین را بر اساس لطف خاص خود مامن قرار داده است؛ لیکن اگر مردم آنجا بیراهه رفتند، خداوند آنها را به قهر خود گرفتار می‌کند. لذا در آیه ۲۵ سوره حج فرموده است که هر کس از روی کفر و ظلم، نسبت به آن قصد سوء کند، به عذابی دردناک گرفتار می‌شود.

امنیت تکوینی حرم، به لحاظ مکه، نسبی و به لحاظ کعبه، نفسی است؛ یعنی ممکن است خداوند برای تنبیه کافران و تبه‌کاران گاهی آنها را در همان مکه کیفر دهد، لیکن هیچ‌کس نمی‌تواند با اصل کعبه که قبله و مطاف مسلمانان است، مبارزه کند و اگر معاندان در برخی از مقاطع تاریخی، کعبه را ویران کردند، برای دستگیری متحصنان در آن بود؛ نه برای مبارزه با خود کعبه؛ از این رو دوباره به بازسازی آن مبادرت کردند. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۴)

ب) نظریه امنیت تشریحی حرم مکی

علامه طباطبایی معتقد است که آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ بیانگر حکمی تشریحی است. و از این فقره از آیه استفاده کرده که پیش از اسلام نیز حکم امنیت این خانه تشریح شده است. ایشان از دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که از خدای تعالی

درخواست می‌کند مکه را بلد امن کند (ابراهیم: ۳۵؛ بقره: ۱۲۶) و خدای تعالی به زبان تشریح دعایش را مستجاب می‌کند و همواره دل‌های بشر را به قبول این امنیت سوق می‌دهد، نیز تشریحی بودن امنیت حرم را استفاده کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۴۹-۴۵۰) مؤید آن این است که پیش از بعثت نیز عرب جاهلیت این حق را برای بیت محفوظ می‌دانست و همچنین آیات قرآن در مورد دعای حضرت ابراهیم علیه السلام نشان می‌دهد که این رسم به زمان ابراهیم علیه السلام متصل بوده و از جعلیات عرب جاهلیت نبوده است. (همان، ۱۳۷۴، ص ۵۴۹)

بر اساس امنیت تشریحی، مکه دارای یکسری قواعد و مقررات ویژه‌ای است که آن را از سایر مناطق، منحصر به فرد کرده است. از جمله این قواعد، وجوب حفظ امنیت حرم مکی است که شارع مقدس برای تخلف از آن، عواقبی در نظر گرفته است. امنیت تشریحی حرم، همواره محفوظ است و قطع حرمت حرم جایز نیست؛ مگر آنکه مهاجم، حرمت‌شکنی کرده باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۷۵) که در این حال از باب ﴿وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ﴾ (بقره: ۱۹۴) می‌توان مصونیت آنها را سلب کرد: ﴿وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ﴾. (بقره: ۱۹۱)

البته برخی از مفسران، دعای حضرت ابراهیم علیه السلام - که در آن از خدای سبحان امنیت و بهره‌مندی اقتصادی برای سرزمین مکه و ساکنان آن خواسته شده است، (بقره: ۱۲۶) - را جامع بین تکوین و تشریح می‌دانند. از ابن عباس نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز فتح مکه فرمود:

اینجا سرزمینی است که خداوند در زمان آفرینش آسمان‌ها و زمین، آن را محترم قرار داده است. این سرزمین به حرمت خداوند تا روز قیامت حرمت دارد. جنگ و کارزار در این شهر برای هیچ‌یک از پیامبران پیش از من حلال نبوده است و برای من، فقط چند لحظه از یک روز، این کار حلال شد. پس این شهر به حرمت خداوند، تا روز قیامت حرمت دارد. (همو، ۱۳۹۱، ص ۲۶ به نقل از صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۱۴)

بر همین اساس برای حفظ امنیت و مطابقت تشریح با تکوین، در فقه برای حرم مکی احکام خاصی مقرر شده که گاه از آن به خصائص الحرم یاد شده است. (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۹۷) فقها این احکام را به طور پراکنده در ابواب نماز، حج، حدود و کفارات مطرح کرده‌اند.

گستره امنیت حرم مکی حتی شامل حیوانات، پرندگان و برخی حشرات و گیاهان نیز می‌شود. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۱۸، ص ۲۸۶) حفظ امنیت مطلق در حرم به قدری اهمیت دارد که حقوق خصوصی افراد و نیز حقوق عمومی جامعه در آنجا «معلق» می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۱، ص ۱۷۸) در راستای پاسداری از امنیت حرم مکه احکامی وجود دارد که خلع سلاح عمومی (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۱۸، ص ۴۲۲)، ممنوعیت جنگ و جدال (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳)، دوری از جرم و آزار، توقیف دعوا و اجرای حکم، ممنوع بودن دستگیری مجرم و محکوم - ولو قاتل و جانی - از آن جمله است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۶) و به تعبیر دیگر هر پناهنده‌ای در حرم از تعرض مصون است.

تفاوت‌های پناهندگی در حقوق بین‌الملل و حرم مکی

مقایسه میان پناهندگی در حقوق بین‌الملل و حرم مکی نشان از تفاوت‌های زیاد در کنار وجود برخی تشابهات است.

۱. در خارج از کشور مبدأ بودن

در حقوق بین‌الملل، پناهندگی در خصوص اتباع بیگانه مصداق دارد؛ به این معنا که فردی از کشوری به کشور دیگر پناهنده شود. در واقع فرار از کشور مبدأ و عبور از مرزهای بین‌المللی، عنصر اساسی پناهندگی به شمار می‌آید. (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 1, Par 2) اما پناهندگی در حرم مکی اختصاص به اتباع بیگانه ندارد و اتباع داخلی - چه در معنای امروز آن، که

اتباع عربستان باشد، و چه در معنای فقهی آن، که اتباع دارالاسلام و ممالک اسلامی باشد - نیز با پناه بردن به منطقه حرم، واجد وصف پناهنده می‌شوند و از امتیازات این پناهندگی برخوردار می‌گردند.

۲. در معرض تهدید و ترس ناموجه بودن

طبق ماده ۳۱ و ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱، کسانی که جان یا آزادی آنها تهدید شده است و در معرض تهدید و ترس ناموجهی هستند، حق درخواست پناهندگی دارند. (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 31&32) بر این اساس در حقوق بین‌الملل، کسی حق درخواست پناهندگی دارد که به صورت غیر موجه و ناعادلانه در معرض تهدید و ترس قرار گرفته باشد. اما پناهندگی در حرم مکی از این جهت، بلاشرط است و شامل هرگونه ترس از آسیب با هر منشأ مشروع یا غیر مشروع می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۲۷) علت تمایز آن است که ملاک اعطای پناهندگی در حقوق بین‌الملل، ترس و تهدید ناموجه است؛ اما در حرم مکی، حرمت حرم است.

۳. در معرض تبعیض قرار گرفتن

در حقوق بین‌الملل، پناهنده به کسی اطلاق می‌شود که به عللی همچون نژاد، مذهب، ملیت و... در معرض تبعیض ناروایی از سوی کشور مبدأ قرار گرفته است. پاراگراف دو ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۲ مقرر داشته است: «پناهنده به شخصی اطلاق می‌گردد که ... به علت ترس موجه از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در گروه‌های اجتماعی خاص یا داشتن عقاید سیاسی تحت تعقیب و آزار باشد...». (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 1, Par 2) اما پناهندگی در حرم از این جهت، مطلق است و در منابع فقهی، قید و شرطی برای افرادی که قصد پناهندگی در حرم مکی دارند، ذکر نشده است. البته در پناهندگی مسلمان و غیر مسلمان تفصیلاتی وجود دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

ع. عدم لحاظ دین و عقیده در خصوص پناهنده

در حقوق بین‌الملل، حق پناهندگی فارغ از اینکه پناهنده چه دین و آیینی داشته باشد، به رسمیت شناخته شده است. اما در حرم مکی، امکان پناهندگی مسلمانان، امری مفروغ‌عنه و بدیهی است؛ ولی در مورد پناهندگی غیر مسلمانان اختلافاتی وجود دارد و بایسته است موضوع با توجه به تقسیم غیر مسلمانان به اهل کتاب و غیر اهل کتاب (مشرکان) بررسی شود.

الف) پناهندگی غیر مسلمانان در حرم مکی در روایات

روایات وارده در خصوص پناهندگی در حرم مکی، غالباً با عباراتی همچون «من التجأ إلی حرم الله»، «عن رجل... دخل الحرم» همراه است. استفاده از کلماتی همچون «من» و «رجلاً» اطلاق را می‌رساند و شامل مسلمان و غیر مسلمان می‌شود؛ همچنان‌که امام صادق علیه السلام در توضیح آیه شریفه ﴿مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷) فرمودند: «من دخل من الناس مستجیراً به فهو آمن، ومن دخل البيت من المؤمنین مستجیراً به فهو آمن من سخط الله...». (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۹) استفاده از کلمه «الناس»، بیان از مطلق انسان‌هاست و آوردن کلمه «المؤمنین» در عبارت بعدی، از باب تأکید خاص بعد از عام است. به هر حال بر اساس اطلاقات موجود، پناهندگی در حرم شامل اهل کتاب و حتی غیر اهل کتاب نیز می‌شود.

ب) پناهندگی غیر مسلمانان در حرم مکی در قرآن

از منظر آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ (آل عمران: ۹۷) پناهندگی در حرم، به مسلمانان اختصاص ندارد؛ چراکه «من» در آیه مطلق است و شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود. اما اختلاف نظر بر اساس آیه ۲۸ سوره توبه پدید آمده است؛ چراکه در این فرموده: ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ، فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ﴾ «مشرکان نجس هستند و نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند». در خصوص این آیه، ابتدا باید مفهوم مشرک بررسی

گردد تا دانسته شود مشرک شامل اهل کتاب هم می‌شود یا صرفاً به غیر اهل کتاب اختصاص دارد. سپس مفهوم مسجدالحرام در آیه بررسی شود تا روشن شود محدوده مسجدالحرام، شامل کل محدوده حرم مکه است یا تنها مسجد گرداگرد کعبه مراد است.

یک - بررسی مفهوم مشرک در آیه ۲۸ سوره توبه

برخی از فقها ممنوع بودن ورود به مسجدالحرام را شامل هر غیر مسلمانان - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب - می‌دانند؛ با این استدلال که یهود و نصارا به دلیل افکار شرک‌آلود، مشرک هستند. مهم‌ترین استدلال در این زمینه، آیه ۳۰ سوره توبه است که خداوند متعال فرموده است: «یهود گفتند: عزیر پسر خداست! و نصارا گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که با زبان خود می‌گویند که همانند گفتار کافران پیشین است. خدا آنان را بکشد. چگونه از حق انحراف می‌یابند؟!» به آیات دیگری همچون آیه ۷۲ و ۷۳ سوره مائده نیز در این خصوص استناد شده است. بر اساس این گروه از آیات، برخی فقها معتقدند با توجه به عقاید شرک‌آلودی که اهل کتاب دارند، ورود آنها به مسجدالحرام جایز نیست. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۶، ص ۴۳)

دلیلی دیگری که بر ممنوعیت ورود اهل کتاب به مسجدالحرام ذکر شده، این است که «النجس» در آیه را نجاست اصطلاحی و عدم طهارت به دلیل جنابت غیر مسلمانان دانسته‌اند؛ از این رو حکم را به اهل کتاب نیز تسری داده‌اند. (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۷۵) لذا بر اساس نظر این گروه از فقها، مشرک معنای عامی دارد و به همین دلیل، غیر مسلمانان - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب - از حق پناهندگی و مصونیت در حرم برخوردار نیستند.

گروه دیگر از فقها دیدگاه مخالفی دارند و ممنوعیت ورود به مسجدالحرام را مختص مشرکان غیر اهل کتاب می‌دانند. (طباطبائی کربلائی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲،

ص ۳۵۸؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۳۱۹؛ موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۲۰۱؛ صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۶۲) بر اساس این نظریه، مقصود از «نجس» در آیه، انسانی است که منکر خدا و عبادت کننده بت‌ها باشد و اهل کتاب از این حیث، دارای طهارت هستند. (مغنیه، بی تا، ج ۴، ص ۲۸) در این بین برخی اگرچه نجاست مشرکین را مورد تسالم قطعی بین اصحاب می‌دانند، اما از نظر ایشان، آیه دلالتی بر نجاست غیر مسلمانان - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب - ندارد. (خوئی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۴) امام خمینی علیه السلام نیز منظور از «نجس» در آیه را آلودگی لغوی و به معنای ناپاکی باطنی می‌داند (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۰۰) و معتقد است ثابت کردن اینکه همه طوائف کفار مشرکند، ممکن نیست و تنها گفتن اینکه عزیر فرزند خداست، سبب شرک نمی‌شود. از نظر ایشان، آیه شریفه برای اثبات ادعای نجاست تمام صنوف کفار کافی نیست. (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۴۰۴) برخی از روایات - همچون روایت نقل شده از جابر بن عبدالله و قتاده - نیز صراحت دارد که ورود اهل کتاب به مسجدالحرام مجاز است. (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۱) بنابراین طبق نظریه اخیر، حکم مذکور در آیه شامل اهل کتاب نبوده است و آنان اجازه ورود به مسجدالحرام و برخورداری از حقوق پناهندگی در حرم را دارا هستند.

دو- عدم ممنوعیت ورود مشرکان به خارج از مسجدالحرام در محدوده حرم

در آیه شریفه ۲۸ سوره توبه، ورود مشرکان به مسجدالحرام منع شده است؛ اما محدوده حرم، محدود به مسجدالحرام نبوده و مسجدالحرام بخشی از محدوده حرم است. بنابراین حتی بر فرض اینکه مشرکان اجازه ورود به مسجدالحرام را نداشته باشند، اجازه ورود به محدوده حرم را خواهند داشت و در روایات و عبارات فقها، منعی برای پناهندگی مشرکان و کفار در منطقه حرم دیده نمی‌شود. البته برخی تفاسیر، منظور از مسجدالحرام را کل محدوده حرم دانسته‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۵، ص ۳۲) ولی این نظریه به لحاظ عملی، تاریخی و فقهی قابل پذیرش نیست؛

چنان‌که بسیاری از فقها حکم ممنوعیت ورود مشرکان را به مسجد الحرام محدود کرده‌اند. (صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۲۱، ص ۲۷۸)

بنابراین همانطور که در حقوق بین‌الملل برای امکان پناهندگی، تبعیض بر اساس دین و عقیده وجود ندارد، در اصل امکان پناهندگی به حرم نیز تبعیض بر اساس مذهب و دین وجود ندارد؛ هرچند ورود مشرکان به مسجد الحرام به خاطر تقدس ذاتی این مکان، ممنوع است.

ج) پناهندگی افراد مجرم

از منظر حقوق بین‌الملل، پناهندگی شامل اشخاصی که جرائم مهمی را مرتکب شده باشند، نمی‌گردد. طبق بند (و) ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱، «مقررات این کنوانسیون در مورد افرادی که مرتکب جنایتی علیه صلح یا بشریت یا جنایات جنگی شده باشند یا قبل از آنکه در کشور پناه‌دهنده، به‌عنوان پناهنده پذیرفته شوند، در خارج از آن کشور مرتکب جنایات عمده‌ای که مشمول مجازات عمومی می‌باشد، شده باشند و یا مرتکب اعمالی که مغایر با مقاصد و اصول ملل متحد است، شده باشند، مجری نخواهد بود». ماده ۱۴ اعلامیه حقوق بشر نیز با وجود اینکه اجازه پناهندگی به افراد تحت تعقیب و شکنجه را داده، ولی مقرر داشته است: «در موردی که تعقیب و مجازات واقعاً مبتنی بر جرائم غیر سیاسی و رفتارهای مخالف با اهداف و اصول ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود».

عدم شناسایی پناهندگی افراد مجرم در حقوق بین‌الملل از این جهت قابل تحلیل است که فلسفه قوانین حاکم بر وضعیت پناهندگان، حمایت از افراد و گروه‌های قربانی بی‌عدالتی است؛ نه حمایت از کسانی که مرتکب جرائم مهمی شده‌اند و برای فرار از مجازات، اقدام به پناهندگی کرده‌اند. این در حالی است که در مورد پناهندگی در حرم مکی، بر اساس نظر عموم فقها، هر فرد با هر جرمی که به حرم پناهنده می‌شود، تا زمانی که پناهنده است، از مصونیت برخوردار است و نوع جرم

ارتکابی فرد پناهنده، تأثیری بر حق پناهندگی او در حرم ندارد؛ همچنان که صاحب جواهر می‌فرماید: «لا ینقام (الحد) مطلقاً فی الحرم علی من التجأ إلیه للاحترام». (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ۳۴۴/۴۱) کلمه «مطلقاً»، بیان اطلاق امنیت حرم به هر نوع مجرم مشمول حد، بدون توجه به نوع جرم ارتکابی است.

مسئله امنیت پناهنده حرم مکی، مختص به موضوعات جزائی و کیفری نیست (عیاشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۸۹؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۳۹) و هر امری که می‌تواند مسئولیت کیفری و مدنی به همراه داشته باشد و یا امور مربوط به مسئولیت مدنی صرف را نیز شامل می‌شود. لذا اگر بدهکاری از ترس طلبکار به حرم مکی پناهنده شد، تا زمانی که در منطقه حرم است، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را مطالبه کند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲)؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر بدهکاری فرار کرده، به مکه پناه برد و طلبکار او را در آنجا ببیند، نباید طلب خود را از او مطالبه کند و باید صبر کند تا بدهکار از حرم بیرون بیاید». (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۶۸؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۷۱) عدم اختصاص حکم پناهندگی در حرم به افراد غیر مجرم، ناشی از آن است که ملاک اعطای پناهندگی در حرم مکی، حرمت حرم است. در عین حال برای عدم سوء استفاده از حرمت حرم، احکام سختگیرانه خاصی نیز پیش‌بینی شده است که در مباحث بعدی مطرح می‌گردد.

د) اصل بازنگرداندن پناهنده

اصل بازنگرداندن پناهنده از اصول اساسی حقوق پناهندگان است. بر اساس این اصل - که در ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱، پروتکل الحاقی ۱۹۶۷، ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۸۴ ملل متحد علیه شکنجه، ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دیگر اسناد بین‌المللی مطرح شده است - هیچ پناهنده‌ای نباید به کشوری که در آنجا احتمال تعقیب و آزار و شکنجه وجود دارد، بازگردانده شود. بر اساس ماده ۳۳ کنوانسیون ۱۹۵۱، هیچ‌یک از دول متعاقد به هیچ نحو، پناهنده‌ای را به سرزمین‌هایی که امکان دارد به‌علل مربوط

به نژاد، مذهب، ملیت، عضویت در دسته اجتماعی به خصوص یا دارا بودن عقاید سیاسی، زندگی یا آزادی او در معرض تهدید واقع شود، تبعید نخواهند کرد یا باز نخواهند گردانید. (Convention Relating to the Status of Refugees, 1951, Art 33)

البته این اصل مطلق نبوده و استثنائاتی بر آن وارد شده است. بند ۲ ماده ۳۳ این کنوانسیون صریحاً مقرر می‌دارد: «پناهنده‌ای که طبق رأی قطعی دادگاه، محکوم به ارتکاب جرم مهمی شده که مضر به حال آن کشور تشخیص داده شود، نمی‌تواند دعوی استفاده از مقررات این ماده را نماید». بنابراین ایجاد خطر برای نظم عمومی یا امنیت ملی، موجب سلب پناهندگی می‌شود که تشخیص آن بر عهده کشور پذیرنده است. (مفخمی، ۱۳۷۷ش، ص ۹۴)

در فقه اسلامی در صورتی که فردی در حِلّ و خارج از حرم، جرم و جنایتی مرتکب شود یا حقی بر گردن داشته باشد و به حرم پناهنده شود، کسی حق تعرض و بیرون راندن او را ندارد تا زمانی که با اراده خود از آنجا خارج شود. اما حکم فردی که در داخل منطقه حرم مرتکب جنایتی شود، متفاوت است و حق برخورداری از مصونیت، شامل حال او نمی‌شود و حکم الهی و حدّ نسبت به جرم ارتكابی، در رابطه با او در داخل حرم اجرا خواهد شد؛ چراکه خود فرد با ارتکاب جنایت در حرم، حرمت حرم را هتک کرده، است. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۵۷)؛ زیرا مصونیت فرد پناهنده، به جهت مقام و منزلت کعبه و حرم است (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۲) و با نقض قاعده حفظ حرمت حرم از سوی فرد، مصونیت وی نیز سلب می‌شود؛ همچنان که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لأنه لم یر للحرم حرمة»؛ «چون فرد، حرمت حرم را حفظ نکرده است». (شیخ صدوق، ۱۳۸۶، ۲، ۴۴۴/۲) ایشان در بیان علت جاری شدن حکم بر مجرم مرتکب در حرم به آیه **﴿فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ﴾** (بقره: ۱۹۴)؛ «پس هر کس بر شما تعدی کرد، شما نیز به مثل آن بر او تعدی کنید» استناد کردند و فرمودند:

«این آنجاست که (فرد) در حرم باشد». (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۲۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۳۳۷)

در واقع کسی که حرمت حرم را با ارتکاب جرمی هتک کند، علاوه بر آن جرم، مرتکب جرم «هتک حرمت» حرم نیز شده که در نتیجه علاوه بر اجرای حکمی که در قانون نسبت به جرم ارتكابی آمده است، مجازات دیگری به دلیل هتک حرمت حرم بر آن اضافه خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام درباره حکم فردی که در حرم مرتکب قتل و دزدی شده بود، فرمودند: «در حرم، با ذلت بر او حد جاری می شود؛ چراکه حرمتی برای حرم قائل نشده است»؛ از این رو دیه قتل در حرم (در صورتی که بر دیه مصالحه شود)، باعث تغلیظ دیه، و اخذ یک سوم بیشتر از دیه کامل می شود. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۶۳؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۲ش، ج ۴۳، ص ۳۰) نظر فقها در رابطه با ادای دین نیز این است که اگر طلبکار در داخل حرم، پولی را به بدهکار داده باشد، می تواند در داخل حرم، ادای آن را مطالبه کند. (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۲)

بنابراین با ارتکاب جرم توسط پناهنده در حرم، مصونیت او نسبت به جرم ارتكابی برداشته، و مجازات اعمال می شود. در این فرض علاوه بر اعمال احکام الهی، آیا می توان فرد مرتکب را از محدوده حرم اخراج یا تعرض دیگری کرد؟ آنچه از ادله قابل فهم است، این است که تنها به میزان اجرای حکم شرعی، مصونیت او سلب می گردد، نه بیشتر؛ همچنان که امام صادق علیه السلام با استناد به آیه ﴿فَمِنْ أَعْتَدِي عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ يَمِثِلْ مَا أَعْتَدِي عَلَيْكُمْ﴾ (بقره: ۱۹۴)، صرفاً اجازه اجرای حد و قصاص ارتكابی در حرم را داده اند؛ نه تعرض یا حکمی بیش از اجرای حکم شرعی. بنابراین با استناد به اطلاقات ادله بر مصونیت پناهنده و اکتفا به حداقل در استثنائات، نقض مصونیت به بیش از اجرای حکم فراتر نمی رود و پس از اجرای حکم، فرد همچنان مصونیت خواهد داشت و امکان اخراج او نیست.

هـ) حق پناهندگی

از نظر حقوق بین‌الملل، دولت‌ها مکلف به اعطای پناهندگی نیستند و مختارند از اعطای پناهندگی دائم به متقاضیان امتناع ورزند؛ اما از این حق برخوردار نیستند که پناهندگان را به کشوری که احتمال تعقیب و آزار آنها وجود دارد، بازگردانند یا اخراج کنند. بند ۱ ماده ۱۴ اعلامیه حقوق بشر، حق جست‌وجو و برخورداری از پناهگاه را برای افراد، محترم شمرده؛ ولی الزامی برای پذیرش از سوی دولت‌ها تعیین نکرده است. این حق در چارچوب اصل حاکمیت دولت‌ها محقق می‌شود. لذا در ماده ۱ اعلامیه ۱۹۶۷ مقرر شده است: «پناهندگی از سوی دولت‌ها و در اعمال حق حاکمیت آنها اعطا می‌گردد و بایستی از سوی دیگر دولت‌ها محترم شناخته شود». (Declaration on Territorial Asylum, 1967, Art1.Para1) برخلاف پناهندگی در حقوق بین‌الملل، افراد حق پناهنده شدن در حرم را دارند و دولت اسلامی باید این حق را بپذیرد و محترم شمارد؛ فارغ از اینکه نسبت به این پناهندگی رضایت داشته یا نداشته باشد.

و) حقوق پناهنده در کشور میزبان

کنوانسیون ۱۹۵۱ با تعریف حداقل وضعیت یا حقوقی که بایستی به پناهندگان اعطا شود، فهرستی از حقوق اصلی و مهمی که دولت‌های متعاقد، متعهد به ایفای آن هستند را برشمرده است. این حقوق، شامل حقوق ایجابی و سلبی است. تحقق حقوق ایجابی - که شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است - نیازمند دخالت و حمایت دولت میزبان است؛ مانند فراهم کردن شغل مناسب برای پناهندگان (ماده ۱۷ (۳) کنوانسیون ۱۹۵۱) و تحقق حقوق سلبی - که شامل حقوق مدنی و سیاسی است - نیازمند عدم دخالت یا دخالت ایجابی است؛ مانند آزادی رفت‌وآمد پناهندگان در درون کشور دولت میزبان، (ماده ۲۶ کنوانسیون ۱۹۵۱).

اما در مورد فرد پناهنده به حرم مکی، پناهنده صرفاً از برخی حقوق سلبی برخوردار است؛ از جمله اینکه دولت اسلامی، حق ایجاد مزاحمت و تعرض به پناهنده را ندارد و دیگر افراد نیز حق آسیب‌رسانی به او را ندارند. همچنین دولت اسلامی وظیفه حفاظت از او در برابر هرگونه تعرضی را بر عهده دارد.

در مورد حقوق مثبت، دولت و شهروندان مکلف به عدم ایفای آنها هستند. این تکالیف عبارت‌اند از: ممنوعیت خرید و فروش، ممنوعیت پناه دادن، اجاره یا عاریه دادن خانه، ممنوعیت غذا دادن یا فروش غذا به او و حتی نشست و برخاست و صحبت کردن با او. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۰۲). فلسفه عدم اعطای این حقوق، اجبار فرد مجرم جهت خروج از منطقه حرم و اجرای حدود و احکام الهی بر اوست تا احترام حرم و به ویژه خانه کعبه مورد سوء استفاده قرار نگیرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۲۲۷)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. نتیجه‌گیری

پناهندگی که در حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای دارای قواعد متعددی است، در ادیان الهی، به ویژه دین اسلام، نیز مورد توجه قرار گرفته است. یک نوع از پناهندگی، پناهنده شدن به مکان‌های مقدس است و پناهندگی به کلیساها و معابد همواره در طول تاریخ وجود داشته است. در دین اسلام، مصداق بارز این نوع پناهندگی، پناه بردن به «حرم مکی» است. با توجه به اطلاعات ادله، جواز پناهندگی در حرم مکه، علی‌رغم برخی اختلافات، شامل غیر مسلمانان نیز می‌شود. مجرم پناهنده در حرم، از جهت زمانی محدودیتی ندارد. البته تزییقاتی همچون ممنوعیت خرید و فروش و اجاره یا عاریه دادن خانه به او وجود دارد تا در نهایت مجبور به خروج از محدوده حرم شود تا بدین وسیله از حرم و کعبه سوء استفاده نشود و

حق دیگران نیز پایمال، و حدود الهی تعطیل نگردد. البته مصونیت مجرم پناهنده در حرم، مخصوص مواردی است که فرد در حِلّ و خارج از محدوده حرم مسئولیت مدنی یا کیفری بر ذمه‌اش محقق شود و به حرم پناهنده شود؛ اما نسبت به جرمی که در حرم مرتکب شده است، احکام و حدود الهی جاری می‌شود؛ چراکه مجرم، حرمت حرم را هتک کرده و مستحق مجازات در حرم شده است. مقایسه پناهندگی در حقوق بین‌الملل و حرم مکی نشان از تفاوت‌های زیاد در کنار برخی تشابهات است. علت تفاوت‌ها، تمایز در ملاک اعطای پناهندگی است؛ در حقوق بین‌الملل حمایت از فرد، و در حرم مکی حمایت از حرم و حفظ حرمت آن ملاک اعطای پناهندگی است.

۲. پیشنهادات

الف) مکه مکرمه، به عنوان ام‌القرای جهان اسلام، به لحاظ تاریخی و دینی و وجود کعبه برای مسلمانان... از اهمیت خاصی... برخوردار است. وجود احکام خاص برای منطقه حرم و نیز برگزاری مناسک حج و عمره، بیانگر آن است که حرم مکه، متفاوت از سایر بلاد است و یک کشور به تنهایی نمی‌تواند به تدبیر امور و اجرای احکام الهی در این منطقه بپردازد. بروز فجایعی همچون حادثه منا و برخوردهای تبعیض‌آمیز با اتباع کشورهای مختلف اسلامی، مؤید ناکارآمدی شیوه اداره کنونی است. پیشنهاد می‌شود حرم مکه به عنوان یک منطقه بین‌المللی اسلامی شناخته شود و اداره این منطقه و برگزاری مراسم حج و عمره، تحت نظارت سازمان همکاری اسلامی صورت پذیرد و احکام منطقه خاص حرم، به عنوان قانون حاکم بر این منطقه، توسط دانشمندان فقه مذاهب اسلامی به نگارش در آید و به تصویب دولت‌های اسلامی رسد.

ب) ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره (۱۹۹۰) به مسئله پناهندگی پرداخته است و حق افراد مورد ستم واقع شده، جهت پناهنده شدن طبق موازین

شریعت را به رسمیت شناخته است. (cairo Declaration on Human Rights).
از آنجایی که حق پناهندگی در حرم مکی مورد اجماع
مذاهب فقهی اسلامی است، پیشنهاد می‌شود کمیسیون مستقل دائمی حقوق بشر
(IPHRC)، به عنوان نهاد اصلی حقوق بشری سازمان همکاری اسلامی، با تشکیل
کمیته متخصصان فقهی و حقوقی، قوانین حاکم بر پناهندگی در منطقه حرم را در
قالب یک پروتکل الحاقی بر ماده ۱۲ اعلامیه قاهره تدوین و تصویب کنند.

منابع

قرآن

۱. آدینه، کریم (۱۳۹۴)، «محدوده حرم از نگاه فریقین»، میقات حج، شماره ۹۴، زمستان، ص ۲۶-۴۸.
۲. ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷)، اسلام و حقوق بین الملل عمومی، تهران، سمت.
۳. ابن ادریس، محمد بن احمد (۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۴. ابن براج، عبدالعزیز (۴۰۶ق)، المهذب، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد (۴۱۰ق)، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۳۹۶ق)، السیرة النبویة، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دار صا، چاپ سوم.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۳۷۵)، زندگانی محمد پیامبر اسلام ترجمه السیرة النبویة، ترجمه هاشم رسولی، تهران، کتابچی.
۹. ابوداود سجستانی، سلیمان بن أشعث (بی تا)، سنن ابی داود، بیروت، المكتبة العصرية.
۱۰. احمدوند، شجاع (۱۳۹۳)، «سیمای نظام بین الملل در منشور مدینه»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ۵، شماره ۱۵، تابستان، ص ۱۳۹-۱۷۶.
۱۱. ازرقی، محمد بن عبدالله (بی تا)، أخبار مكة وما جاء فيها من الآثار، بیروت، دارالاندلس.
۱۲. بایرامی فرد، بهمن (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی پناهندگی در فقه اسلامی و حقوق بین الملل»، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین المللی پلیس، شماره ۳۱، پاییز، ص ۳۲-۴۹.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، تفسیر تسنیم، جلد ۶، قم، اسراء، چاپ اول.
۱۴. _____ (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، جلد ۱۹، قم، اسراء، چاپ اول.
۱۵. _____ (۱۳۸۶)، جرعهای از صهبای حج، تهران، مشعر.
۱۶. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، جلد ۱۳، مدخل «حرم».
۱۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول.

۱۸. حکیم، سیدمحسن (۱۴۰۴ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۹. حمو، محمود محمد (۱۳۹۱)، **مكة المكرمة**، تاریخ و معالم، ترجمه سیدمرتضی حسینی فاضل، تهران، نشر مشعر.
۲۰. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، **تفسیر نورالثقلین**، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۲۱. خامنه‌ای، سیدمحمد (۱۳۷۱)، **حج از نگاه حقوق بین‌الملل**، تهران، کیهان، چاپ اول.
۲۲. خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۱ق)، **کتاب الطهارة**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول.
۲۳. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۷ق)، **منهاج الصالحین**، بی‌جا، مؤسسه الخوئی الإسلامية، چاپ اول.
۲۴. _____ (۱۴۰۷ق)، **التنقیح فی شرح العروة الوثقی**، قم، لطفی، چاپ اول.
۲۵. _____ (۱۳۶۵)، **المستند فی شرح العروة الوثقی**، مرتضی بروجردی، قم، لطفی.
۲۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۵ق)، **من لا یحضره الفقیه**، بیروت، دارالأضواء، چاپ ششم.
۲۷. _____ (۱۳۸۶)، **علل الشرائع**، قم، کتابفروشی داوری، چاپ اول.
۲۸. _____ (۱۴۱۳ق)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۲۹. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر (۱۳۶۲ش)، **جواهر الکلام**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۰. _____ (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۱. صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ق)، **بحوث فی شرح العروة الوثقی**، قم، مجمع الشهداء آیت‌الله الصدر علمی، چاپ دوم.
۳۲. طباطبائی کربلایی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۲ق)، **ریاض المسائل**، قم، مؤسسه النشر الإسلامية، چاپ اول.
۳۳. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، **تفسیر مجمع البیان**، هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، **تهذیب**

- الأحكام، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم.
۳۶. _____ (۱۳۸۷ق)، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المکتب المرتضویه.
۳۷. _____ (۱۴۰۰)، **النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوى**، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
۳۸. _____ (بی تا)، **التیّان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۹. عراقی، ضیاءالدین (۱۴۱۴ق)، **شرح تبصرة المتعلمین**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۴۰. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۲)، **تذکرة الفقهاء**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
۴۱. _____ (بی تا)، **تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۲. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، **فقه سیاسی: حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام**، تهران، سمت، چاپ هفتم.
۴۳. _____ (۱۳۹۲)، **قواعد فقه: بخش حقوق بین الملل**، تهران، سمت، چاپ اول.
۴۴. عمید، حسن (۱۳۶۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران، سپهر، چاپ سوم.
۴۵. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، **تفسیر العیاشی**، تهران، مکتب علمی اسلامی.
۴۶. فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۱۴ق)، **أخبار مكة فی قديم الدهر وحديثه**، بیروت، دار خضر، چاپ دوم.
۴۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، **تفسیر الكبير (مفاتیح الغیب)**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، **العین**، قم، دارالهجرة، چاپ اول.
۴۹. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، **«بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه و اسناد بین المللی»**، فصلنامه مفید، شماره ۱، ص ۱۵۵-۱۸۶.
۵۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۵۱. کردی، محمدطاهر بن عبدالقادر (۱۴۲۰ق)، **التاریخ القویم لمكة و بیت الله الکریم**، بیروت، دار خضر.
۵۲. محقق حلی، جعفر بن یحیی (بی تا)، **نکت النهایة**، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۵۳. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد فی شرح القواعد**، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.
۵۴. محمد رشید رضا (۱۹۹۰)، **تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)**، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۵۵. مرتضی زبیلدی، محمد بن محمد

۶۴. نظری تاج آبادی، حمید (۱۳۶۹)، بررسی جنبه‌های مختلف حقوقی مسئله پناهندگی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۶۵. واقدی، محمد بن عمر (بی‌تا)، المغازی، بیروت، الأعلمی.
۶۶. وحید خراسانی، حسین (بی‌تا)، منهاج الصالحین، قم، مؤسسه امام باقر علیه السلام.
۶۷. هاشمی شاهرودی، محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
۶۸. یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق)، العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
69. Convention Relating to the Status of Refugees, Adopted on 28 July 1951. available at: <https://www.unhcr.org/1951-refugee-convention.html>
70. Cairo Declaration on Human Rights in Islam (CDHRI) available at: <https://www.fmreview.org/sites/fmr/files/FMRdownloads/en/FMRpdfs/Human-Rights/cairo.pdf>
71. Declaration on Territorial Asylum, G.A. res. 2312 (XXII) , 22 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 81, U.N. Doc. A/6716 (1967) .
۵۴. تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۵۶. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، حج و عمره در قرآن و حدیث، تهران، مشعر، چاپ اول.
۵۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۵۸. مغنیه، محمد جواد (بی‌تا)، تفسیر الکاشف، جلد ۴، بیروت، دارالانوار، چاپ چهارم.
۵۹. مفخمی، سعید (۱۳۷۷)، وضعیت بیگانگان در حقوق بین‌الملل، با تأکید بر وضعیت پناهندگان سرزمینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۶۰. مقدس اردبیلی، احمد (بی‌تا)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۶۲. موسوی خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵)، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، چاپ دوم.
۶۳. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول.